



| روزنامه جوان | شماره ۷۲۹۹

ادامه از صفحه ۵

وظایف علم فقه در قبال مسائل امروز

در خصوص علم فقه این نکات درخور ملاحظه است:

اولا فقه، پاسخ دین به نیازهای عملی فرد و جامعه است. با عقلانیت تحول یافته نسل‌ها، این پاسخگویی باید امروز بیش از گذشته دارای پشتوانه فکری و علمی استوار و در عین حال قابل فهم و هضم باشد. دیگر اینکه پدیده‌های پیچیده و پر تعداد در زندگی امروز مردم، سؤال‌های بی‌سابقه‌ای را پیش می‌آورد که فقه معاصر باید پاسخ آنها را آماده داشته باشد.

دیگر اینکه امروز با تشکیل نظام سیاسی اسلام، سؤال اصلی، چگونگی نگاه کلان شارع به ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر و پایه‌های اصولی آن است، از نگاه به انسان و جایگاه انسانی و هدف‌های زندگی او، تا نگاه به شکل مطلوب جامعه بشری و نگاه به سیاست و قدرت و روابط اجتماعی و خانواده و جنسیت و عدالت و دیگر ابعاد زندگی. فتوای فقیه در هر مسئله باید نشان‌دهنده بخشی از این نگاه کلان باشد.

الزامات پاسخ‌دهی فقیه به نیاز های امروز و نکاتی در شیوه کار کنونی حوزه

الزام مهم برای دست یافتن به این خصوصیات، اولاً آشنایی فقیه با همه ابعاد و معارف دینی در همه زمینه‌ها و ثانیاً آشنایی مناسب با یافته‌های امروز بشر در عرصه علوم انسانی و دانش‌های مرتبط با زندگی انسان است.

باید پذیرفت که ذخیرهٔ انباشته علم در حوزه این ظرفیت را دارد که طلبه را به این حد از توانایی‌های علمی برساند، مشروط بر اینکه برخی نکته‌ها در شیوه کار کنونی با چشم باز دیده و با دست توانا علاج شود. یکی از این نکته‌ها، طولانی بودن دوره تحصیل است. دوره متن خوانی طلبه به شیوه‌ای سؤال پرانگیز می‌گردد، طلبه ناگزیر بر است کتاب قطور و محققانه یک عالم بزرگ را به عنوان کتاب درسی بیاورد. این کتاب در واقع مربوط به هنگام ورود او به مرحله تحقیق اجتهادی است و سپردن آن به او پیش از این مرحله، تنها اثرش، طولانی کردن زمان متن خوانی است. کتاب درسی باید حاوی مطلب و زبان مناسب طلبه برای دوران محدود پیش از ورود به مرحله تحقیق باشد. تلاش موفق یا ناموفق بزرگانی همچون اخوند خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج سیدصدرالدین صدر برای جایگزین کردن کتاب‌هایی چون قوانین و رسال و فصول یا کفایه و درر افوائد و خلاصه‌الفصول با نگاه به همین ضرورت مهم بوده است.
بای‌آنکه آنها در زمانی زندگی می کردند که طلبه با انبوه واردات ذهنی و تکالیف عملی مانند امروز روبه‌رو نبود. نکته دیگر، مسئله اولویت‌های فقهی است. امروز با تشکیل نظام اسلامی و مطرح شدن حکمرانی به شیوه اسلام، موضوعات مهمی برای حوزه اولویت یافته که در گذشته مطرح نبوده است، مسئله‌هایی از قبیل روابط دولت با مردمش و با دولت‌ها و ملت‌های دیگر، موضوع نفی سبیل، نظام اقتصادی و پایه‌های اصولی آن، پایه‌های اصولی نظام اسلامی، منشأ حاکمیت از نظر اسلام، نقش مردم در آن و موضع‌گیری در قضایای مهم و در مقابل نظام سلطه، مفهوم و محتوای عدالت و دهها موضوع اساسی و بعضاً حیاتی دیگر، برای امروز و فردای کشور دارای اولویت و منتظر پاسخ فقهی است. (برخی از آنها دارای جنبه کلامی نیز می‌باشد که در جای خود باید بحث شوند).

حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاه باید متصدی این مأموریت شود و قدرت افتاع، آشنایی با شیوه گفت‌وگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای و مجازی، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه بیاموزد و با تمرین و ممارست، در دوره‌ای محدود، او را آماده ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه‌ترین و شایع‌ترین القانات و آفت‌های فکری و اخلاقی را گردآوری و بهترین و رساترین و قوی‌ترین پاسخ را در قالب ادبیات متناسب با زمان برای آن فراهم کند و از سوی دیگر لازم‌ترین دانستنی‌های دینی متناسب با وضع فرهنگی و فکری روز را در صورت بسته‌های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده‌ها تدوین نماید. این مجموعه شکلی و محتوایی، مهم‌ترین موضوع تعلیم در این بخش است.

برورش مجاهد فرهنگی در کار تبلیغ

در کار تبلیغ، موضع ایجابی و حتی تهاجمی، از موضع دفاعی مهم‌تر است. آنچه درباره دفع و رفع شبهه‌ها و القانات گفته شد، نباید دستگاه تبلیغ را از تهاجم به مسلمات فرهنگ انحرافی رایج در جهان و احیاناً در کشور ما، به غفلت بکشاند. فرهنگ تحمیلی و القائی غرب با سرعتی روزافزون، رو به کج‌روزی و انحطاط است، حوزه فلسفه‌دان و متکلم، به دفاع در برابر شبهه‌انگیزی بسنده نمی‌کند بلکه در قبال این کج‌روزی و گمراهی، چالش‌های فکری می‌آفریند و مدعیان گمراه‌ساز را مجبور به پاسخگویی می‌کند.

تدارک این دستگاه آموزش‌دهنده از جمله اولویت‌های حوزه است، این، پرورش «مجاهد فرهنگی» است و با توجه به تحرک دشمنان دین که به جد در حال نیروپروری به خصوص در برخی عرصه‌های مهم می‌باشند، شایسته است بسیار جدی شمرده شود و شتاب بگیرد.

توجه مبلغان دین به تهذیب نفسی

تهذیب، ضرورت دیگری در کنار تعلیم است. تهذیب به معنی منزوی پروری نیست. بخش عمده‌ای از گستره فعالیت مجاهد فرهنگی، دعوت به تهذیب نفس و اخلاق اسلامی است و این بدون برخورداری دعوت‌کننده از آنچه بدان دعوت می‌کنند، کاری بی‌اثر و بی‌برکت است. حوزه نیازمند تحرکی بیش از گذشته در تأکید بر توصیه‌های اخلاقی است.

دین به نیازهای عملی فرد و جامعه است.

فقه، پاسخ دین به نیازهای عملی فرد و جامعه است. با عقلانیت تحول یافته نسل‌ها، این پاسخگویی باید امروز بیش از گذشته دارای پشتوانه فکری و علمی استوار و در عین حال قابل فهم و هضم باشد.

دیگر اینکه پدیده‌های پیچیده و پر تعداد در زندگی امروز مردم، سؤال های بی سابقه‌ای را پیش می آورد که فقه معاصر باید پاسخ آنها را آماده داشته باشد



شما طلاب و فضلای جوان به طور حتم قادرید به مدد دل پاک و ناآلوده و زبان صادق خود، وظیفه تهذیب اخلاقی نسل جوان امروز را به سرانجام برسانید، مشروط بر اینکه نخست از خود شروع کنید. اخلاص در عمل و بستن راه بر وسوسه مال و نام و مقام، کلید ورود به فضای دلدواز معنویت و حقیقت است و چنین است که کار دشوار مجاهدت فرهنگی، وظیفه‌ای شیرین و حرکتی اثر گذار خواهد شد. سختی‌های طلبگی در چنین وضعی به جای آنکه مانع رفتار مجاهدانه تبلیغ شود، به وسیله‌ای برای اراده محکم و عزم راسخ تبدیل خواهد شد. تأکید می‌کنم که به صحنه تبلیغ دین هرگز به چشم یک میدان یاری‌قرب نباید نگریست و از مقابله با الهام‌ها و مغالطاتی که پی‌درپی به صحنه فرستاده می‌شود، لطمه‌ای نباید غفلت کرد.

در این بخش، در کنار تربیت نیرو برای بلاغ مبین، باید تربیت نیرو برای وظایف خاص در نظام و اداره کشور و نیز تربیت نیرو برای سامان دادن به درون حوزه علمیه و انجام دادن وظایف آن نیز مورد توجه قرار گیرد که مستلزم بحث جداگانه است.

سوم) خط مقدم جبهه تقابل با تهدیدهای دشمن در عرصه‌های گوناگون

ایسن یکی از ناشناخته‌ترین ابعاد حوزه‌های علمیه و کارکرد مجموع علمای دین است. بی‌شک هیچ حرکت اصلاحی یا انقلابی در ۱۵۰ سال اخیر در ایران و عراق نمی‌توان یافت که علمای دین آن را رهبری نکرده یا در خطوط مقدم آن حضور نداشته‌اند. این نشانه مهمی از سرشت حوزه‌های علمیه است.

به طول این دوران، در همه موارد سیرخیز جویی استمرار و استبداد، تنها علمای دین بودند که ابتدائاً وارد میدان شده و در بسیاری موارد به برکت حمایت مردم توانستند دشمن را ناکام بگذارند. هیچ کس جز آنان جرئت دم زدن نداشت یا مسئله را به درستی در نمی‌کرد و پس از فریاد علما بود که شاید دیگرانی هم صدای بلند می‌کردند.

کسروی که از معاندین سرخشت علمای دین به شمار می‌رود، اعتراف می‌کند که آغاز جنبش مشروطه از همراهی بخرنادو دسید بهمهانی و طباطبائی پدید آمد. آری، آن روزها که غول استبداد در ایران پرچم افراشته بود، هیچ کس جز مرآجه با الهام‌ها و هدایت بلند می‌کردند.

قرار دادهای تنگین در طول این مدت با مخالفت و معانت علما بود که ابطال شد. قرارداد روتری با جلوگیری حاج لاملعی کنی، عالم بزرگ تهران، قرارداد تنباکو با حکم میرزای شیرازی، مرجع اعلی و همراهی علمای بزرگ ایران، قرارداد وثوق الدوله با افشاکری مدرس، مبارزه

حوزه پیشرو و سرآمد

سرویس سیاسی ۶۰۸۵۲۳

است، این می‌تواند یکی از موارد همکاری حوزه و دانشگاه باشد. کار بزرگ دانشگاه آن است که در علوم انسانی مرتبط با نظامات حاکمیتی و مردمی، به کمک نگاه محققانه و نقاد، درست و نادرست نظرات رایج دانش جهان را مشخص کند و با همکاری حوزه، محتوای اندیشه دینی را در قالب‌های متناسب ارائه کند.

پنجم) نوآوری‌های تمدنی در چارچوب پیام جهانی اسلام
این برجسته‌ترین انتظار از حوزه علمیه است. شاید بلندپروازی و آرزوپروری تلقی شود. در آن شب تاریخی پس از حمله به فیضیه در سال ۱۳۳۲ که امام راحل در خانه خود پس از نماز عشاء، برای جمع محدود و مرعوب طلاب سخن می‌گفت، شاید این تعبیر بلند که «این‌ها می‌روند و شما می‌مانید»، به نظر بعضی از ما بلندپروازی و آرزوپروری تلقی می‌شد، اما گذر زمان نشان داد ایمان و صبر و توکل، کوه موانع را از جایی کند و کید دشمنان در برابر سنت الهی ناکارآمد است. «استقرار تمدن اسلامی» برترین هدف دنیایی انقلاب است، یعنی تمدنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و منابع طبیعی و همه توانایی‌ها و همه پیشرفت‌های بشری و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و هر آنچه در اختیار بشر است، در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقای علمی و شناخت روزافزون طبیعت و استحکام ایمان به کار می‌رود. تمدن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است، مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت- و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا- است، متکی بر عدالت و ابعاد و مصادیق آن است، متکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است، متکی بر مجاهدت عمومی در همه میدان‌هایی است که در آنها نیاز به حضور جهادی هست.

تمدن اسلامی در نقطه مقابل تمدن مادی کنونی است. تمدن مادی از آغاز با استعمار با تصرف سرزمین‌ها و تحقیر ملت‌های ضعیف با کشتارهای دسته‌جمعی بومیان، با استفاده از علم برای سرکوب دیگران، با ظلم، با دروغ، با ایجاد دره‌های طبقاتی، با زورگویی شروع می‌کند.

تمدن اسلامی در نقطه مقابل تمدن مادی کنونی است. تمدن مادی از آغاز با استعمار با تصرف سرزمین‌ها و تحقیر ملت‌های ضعیف با کشتارهای دسته‌جمعی بومیان، با استفاده از علم برای سرکوب دیگران، با ظلم، با دروغ، با ایجاد دره‌های طبقاتی، با زورگویی شروع می‌کند.

نگرانی امام(ره) از تحجر و جدایی دین از سیاست

در آن متن خردمندانه که با احساساتی عارفانه و عاشقانه به نگارش درآمده است، دلواپسی امام بزرگوار از اینکه جریان تحجر و تقدس‌نمایی، حوزه علمیه را دچار وسوسه جدایی دین از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی کند و راه درست پیشرفت را مسدود سازد، آشکار است. این دغدغه ناشی از ترویج جریان خطرناکی است که دخالت حوزه در مسائل اساسی مردم و ورود در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزه آن با ظلم و فساد را منافی با قدسیت دین و حریم معنوی آن وائودمی‌کند و روحانیت را به صلح کل بودن و دوری کردن از مخاطرات ورود در سیاست سفارش می‌کند.

ترویج این توهم باطل، بزرگ‌ترین هدیة به عوامل استعمار و استکبار است که همواره از حضور و ورود علمای دین در معر که مبارز با آنان زبای دیده و در موارد متعدد شکست خورده‌اند و بزرگ‌ترین هدیه به عوامل نظام فاسد و فاسق و مزدوری است که با حرکت ملت ایران به رهبری یک مرجع تقلید، ریشه کن و ازاله شد.

قدسیت دین بیش از همه‌جا در میدان‌های جهاد فکری و سیاسی و نظامی بروز می‌کند و با فداکاری و جهاد حاملان معارف دین و نثار خون پاک آنان تثبیت می‌شود. قدسیت دین را در سیره پیامبر اعظم(ص) باید دید که در هنگام ورود به ینرب اولین اقدامش تشکیل حکومت و تنظیم نیروی نظامی و یکپارچه کردن عرصه سیاست و عبادت در مسجد بود.

حوزه علمیه برای حفاظت از اعتبار معنوی و وفاداری به فلسفه وجودی‌اش باید از مردم و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار بارها با حوزه و پیشکسوت‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلاب و فضلای جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهارم) مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی

کشور و جامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند، شکل حکومت، شیوه حکمرانی (استبداد، مشورت و…) نظام قضایی و دآوری و اختلافات و تخلفات و موضوعات حقوقی یا جزایی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری- چه برآمده از ذهن متفکران و صاحبان اراده جامعه و چه زاینده از سنت‌ها و عادت‌های بومی و ارنی- و برخاسته از آن است.

در حکومت اسلامی این مبنا و قاعده طبعاً باید برگرفته از اسلام و متون معتبر آن باشد و نظامات اداره جامعه از آنها استخراج شود.

فقه شیعه اگر چه جز در برخی موارد- همچون باب فقه- به گونه کافی به این کار پرداخته‌شده ولی به برکت قواعد گسترده فقهی مستفاد از کتاب و سنت و به مدد عناوین ثانویه، کفایت لازم را برای طراحی نظام‌های گوناگون اداره جامعه داراست.

در باب اصل و منشأ حکومت، کار برجسته امام راحل در مباحث «ولایت فقیه» در هنگام تبعید به نجف، آغازی مبارک بود و راه تحقیق را به روی فضلای حوزوی گشود و پس از تشکیل جمهوری اسلامی، ابعاد گوناگون آن در نظرسر و عمل تکامل یافت، ولی این کار در بسیاری از نظامات اجتماعی کشور همچنان ناظر جزم و بی‌سامان باقی مانده است. این خلأ را حوزه باید پر کند، این در شمار وظایف حتمی حوزه علمیه است. امروز با حاکمیت و استقرار نظام اسلامی، وظایف حق و قفاهت سنگین است. امروز نمی‌توان قفاهت را به تعبیر امام راحل، همچون ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی دانست. قفه امت‌ساز، محدود به حد و اندازه احکام عبادی و وظایف فردی نیست.

نیاز حوزه به آگاهی از یافته‌های امروز جهان و همکاری دانشگاه برای تنظیم نظامات اجتماعی

البته حوزه-برای طراحی و تنظیم نظامات اجتماعی-نیاز دارد که با یافته‌های امروز جهان درباره این نظامات به اندازه آشنایی داشته باشد. این آشنایی، فقیه را قادر خواهد ساخت که با بهره‌برداری از درست و نادرست این یافته‌ها، حضور ذهن لازم برای استفاده از تصریحات و اشارات کتاب و سنت بیابد و شاکله نظامات اجتماعی را برای اداره جامع و کامل جامعه بر اساس اندیشه اسلامی طراحی کند. در کنار حوزه، دانشگاه کشور نیز در این زمینه، دارای توان و تکلیف

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد و در آن در حواله، در ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم هشت‌ساله ما هم در برابر انتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محتث‌واروبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ماست و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشم